

هنرمندان

مصور (نقاش، نگارگر)، محرز، خطاط (خوشنویس)، مذهب (تذهیب‌کار)، قطّاع

(خا بُر، کاغذ بُر)، صحّاف (جلدساز)، و جدول‌کش

معروف به دوست محمد

در بیستم دهم / شانزدهم

شهریار علی

برگردان:

اصغر کریمی



بنگاه گنجینه

سرشناسه. عدل، شهریار، ۱۳۲۲-۱۳۹۴: Adle, C. Chahryar.

عنوان و نام پدیدآور: هنرمندان معروف به دوست محمد / شهریار عدل: برگردان: اصغر کریمی؛ ویراستار: سحر بکاکی.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص؛ مصور.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۵۰-۳.

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت عنوان اصلی: ... Association James Darmestet. یادداشت: کتابنامه.

موضوع هنرمندان - ایران - قرن ۱۰ اق. Artists-Iran 16th century

شناسه افزوده کریمی، اصغر، ۱۳۱۹ - ، مترجم.

شناسه افزوده فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

رده‌بندی کنگره ۱۳۹۶ ع ۸/۵۷۴ NX

رده‌بندی دیویی ۷۰۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۱۹۵۵۴



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

هنرمندان معروف به دوست محمد

دست دهم / شانزدهم

سحر عدل

برگردان: اصغر کریمی

ویراستار: سحر بکاکی

صفحه‌آرا: میثم دیر

طراح جلد: غلامرضا مهر

چاپ اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: چاپ دیجیتال فرهنگستان هنر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۲۵۰-۳

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، انتهای خیابان فلسطین جنوبی، خیابان لقمان ادهم، بن بست بوذرجمهر، شماره ۲۴،

مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۴-۶۶۴۹۸۶۹۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲

پست الکترونیک: publishing@honar.ac.ir

فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر، نرسیده به چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۰، ساختمان مرکزی

فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی کانال تلگرامی: @matnpublishing1

نشانی اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

۷	
۱۳	 دوست محمد بن سلیمان (گواشانی) مروی
۱۸	 ۱-۱. دوست محمد ارلات
۱۸	 ۱-۲. دوست محمد طوسی
۱۹	 ۱-۳. دوست محمد خوارزمی
۲۰	 ۱-۴. دوست محمد بن نظام الملک
۲۲	 ۱-۵. دوست محمد بن شاه یوسف خفاجی
۲۲	 ۱-۶. دوست محمد بن علی دوست المداح البجستانی
۲۳	 ۱-۷. دوست محمد بن ملا محمد سمرقندی بوستانخانی
۲۵	 دوست محمد بن عبدالله قاطع هروی [تبریزی]
۳۱	 دوست دیوانه یا دوست مصور، یعنی دوست محمد مصور
۳۱	 ۳-۱. دوره صفوی دوست محمد مصور
۳۵	 ۳-۲. دوره مغولی دوست محمد نقاش یا پیش درآمد تولد مکتبی جدید (مکتب مغولی قدیم)
۳۶	 ۳-۲-۱. کارگاه های هنری کابل ۸۷۳-۹۶۲ق/۱۴۶۹-۱۵۵۴م
۳۶	 ۱. کتابخانه سلطنتی تیموری کابل ۸۷۳-۹۱۰ق/۱۴۶۹-۱۵۰۴م
۳۷	 ۲. کتابخانه مغولی کابل ۹۱۰-۹۶۲ق/۱۵۰۴-۱۵۵۴م

- ۳-۳. شناسایی دوست محمد مصور، استعدادها، امضاها، او و پایان کار او ۴۷
- ۳-۴. فهرست نگاره‌های سده دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی به امضای دوست محمد مصور
یا منسوب به او ۵۴
- ۳-۵. کار دوست محمد مصور به عنوان سرمشق: نگاره‌های نسخه‌برداری شده از روی کارهای او ۶۷
- ۳-۶. سیاهه‌ای از کارهای منسوب به دوست محمد مصور در دوره خودش ۷۸
- ۳-۷. شاگردان و وارثان دوست محمد ۷۹
۴. نتیجه: آیا ممکن است دوست محمد مصور با دوست محمد بن عبدالله قاطع اشتباه شود؟ ۸۱
۵. متون فارسی ترجمه‌های انگلیسی آن‌ها ۸۵
- پی‌نوشت‌ها ۹۱
- منابع ۱۲۷
- نمایه ۱۳۳

مقدمه

دوست محمد‌های قرن دهم هجری قمری

دربارهٔ هویت، زندگینامه، آثار، رزمندان موسوم به دوست محمد (یا دوست / دُست) اطمینان چندانی وجود ندارد. این که در زمان ما با تعیین شخصی واحد به این موضوع خاتمه داده شد^۱ برای بحث بهت‌منرهای مرتبط با کتاب در سدهٔ دهم هجری، در جهان هند و ایرانی، و ترک (ایرانی-تورانی) آگاهی از تفاوت بین این افراد و تشخیص کارها و هویت واقعی آن‌ها ضرورت دارد. با این که وضع اسناد و مدارک موجود امکان مطالعهٔ نهایی موضوع موردنظر را فراهم نمی‌کند، ظاهراً معرفی مسئله با همین شیوه‌ای که تنظیم شده مطلوب است.

دوست محمد‌ها غالباً خوشنویس (خطاط)، نقاش (کارگر)، جدول‌کش، تذهیب‌کار (مُذهِّب)، قطاع (کاغذبر) و صحاف بوده‌اند. آن‌ها در یک یا چند رشته از این فعالیت‌های هنری سرشته داشته‌اند. یکی از این دوست محمد‌ها، که بیشتر خوشنویس مشهوری بوده، در بین کارشناسان امروزی اولین مورخ هنر ایرانی، مغولی و عثمانی شناخته شده و بدین ترتیب شوکت و افتخاری برای دوران پس از مرگ خود کسب کرده است. مهم‌ترین هنرمندانی که در چهارچوب این نوشته نامشان ثبت شده از اواخر قرن نهم هجری قمری / پانزدهم میلادی تا ثلث سوم قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی می‌زیسته‌اند؛ بنابراین آن‌ها در آخرین سال‌های سلطنت حسین بایقرا (حک: ۸۷۳-۹۱۱ق) و تا حدود اواخر عصر شاه تهماسب (حک: ۹۳۰-۹۸۴ق)، یعنی

دوره‌ای که به حاکمیت سلیم دوم (حک: ۹۷۴-۹۸۲ق) برامپراتوری عثمانی و نیز به ابتدای سلطنت اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق) در هند مربوط می‌شود، زندگی می‌کرده‌اند. مدارکی که مدت‌ها در انتظارش بودم موقعی به دستم رسید که مقاله‌ام دربارهٔ «مرقع بهرام میرزا» در دست انتشار بود. دسترسی به این مدارک مرا به فکر نوشتن مقالهٔ دیگری انداخت تا از طریق آن پاسخی به مسئلهٔ تعدد دوست‌محمدها داده شود. این مسئله تنها در مقالهٔ اول من، آن هم به‌طور سطحی، بررسی شده بود.^۲ چاپ نسخه‌های خطی، و تحقیقاتی که دربارهٔ همین موضوع در ایران چاپ می‌شدند مرا بر آن داشت تا در مقالهٔ دوم بود تجدیدنظر و آن را بازنویسی کنم؛ به همین دلیل انتشار آن به تعویق افتاد. مسئلهٔ بندری پیچیده است که بعضی از همین نوشته‌ها نیز در نظام تصحیح و تحشیه‌نویسی بر مهم‌ترین منابعی که مطالب دقیقی دربارهٔ دوست‌محمدها ارائه می‌دهند، با دلیل یا بدون دلیل معتبر، اختلااتی به‌وجود می‌آورد. از بین این منابع، متون بوداق منشی‌نویس،^۳ فضی احمد^۴ یا مرقعات و گلچین‌های^۵ توقفایی در نظر گرفته شده‌اند.

در نظام تصحیح و تحشیه‌نویسی به عالی افندی نیز به اندازهٔ دیگران توجه شده است: [او را رومی قلمداد کرده‌اند، آیا، ما، طور که فارسی‌زبانان در روایتی که در حال حاضر «غربی‌ها»^۶ بازمینی و تصحیح کرده‌اند قزلباش قلمداد شده‌اند و از این رو قزلباش باقی خواهند ماند، عالی افندی نیز رومی باقی خواهد ماند؟ در پاره‌ای موارد جمله‌هایی که به این نویسندهٔ عثمانی می‌شود غیره،^۷ نه‌تر از جمله به دیگران است. با این‌که متن او گاهی مغشوش و مغلوپ است،^۸ احتمالاً،^۹ جز از متن دیگران است. از آن‌جا که این وقایع‌نگار در کتابی که در سال ۹۹۵ق/ ۱۵۸۷م تالیف کرده، منابع عمدهٔ خود از جمله جزوهٔ مولانا قطب‌الدین محمد یزدی را ذکر کرده است، بنابراین را سارق [ادبی] می‌نامیدند. در روزگار ما نیز بسیاری از مؤلفان منابع این‌چنینی را ذکر نمی‌کنند. صداقت عالی افندی تا جایی است که از قطب‌الدین قدردانی، و تأکید می‌کند که همین شخص به درخواست او جزوه‌اش را به‌سرعت تنظیم و شرح زندگانی پنجاه نفر خوشنویس را در آن آورده است.^{۱۰}

قطب‌الدین محمد یزدی را نباید با قطب قصه‌خوان، که فیروز منصوری او را پیشگام مناظره‌کنندگان فارس می‌داند، اشتباه گرفت. قطب‌الدین محمد یزدی پیش از هر چیزی

خوشنویس بزرگی بوده و در نیمه دوم قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی می زیسته است. او در سال ۹۹۴ ق / ۱۵۸۶ م در بغداد جزوه ای مشتمل بر شرح زندگانی پنجاه نفر خوشنویس تنظیم می کند. همین جزوه است که موجودیت کتاب مناقب هنروران را، که عالی افندی در سال ۹۹۵ ق / ۱۵۸۷ م اقدام به نگارش آن کرد، تشکیل می دهد. این کتاب سودمند - که کامل تر از جزوه قطب الدین محمد است ولی غلط های بسیاری دارد - از خوشنویسان، نقاشان، قطاعان و سایر هنرمندانی صحبت به میان می آورد که به هنرهای مربوط به کتاب سازی مشغول بودند. ولی قطب قصه خوان (قطب الدین محمد (احمد؟) اصفهانی فارسی قصه خوان) قصه گوی شاه تهماسب بوده و ظاهراً در ربع دوم و سوم قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی می زیسته است. وی در سال ۹۹۴ ق برای مرقع مجللی (مسلماً نوعی مرقع گلچین) که ظاهراً دیگر وجود ندارد و برای بررسی در مجامع ماهانه تنظیم شده بود^۱ مقدمه ای می نویسد که این مقدمه او را در مقام صاحب نظر هنری می قرار می دهد. قصه خوان، با بهره گیری از «نظریه دو قلم» [خط و نقاشی] که عبد، بیگ شاعر شیرازی در سال ۹۵۰ ق / ۱۵۴۳-۱۵۴۴ م مطرح کرده بود^۲ و با نقل اشعار او، همه این مطالب را در مقدمه این مرقع - که در عین حال شامل خوشنویسان و نگارگران بوده - به کار می برد تا با آمیختن خط با نقاشی مشروعیتی به نقاشی ببخشد. "قاضی احمد بیرونگامی که به سهم خود عناصر عمده این نظریه نخستین" را ذکر می کرد بخش هایی از نوشته های همین شخص و عبدی بیگ را بدون ذکر مأخذ رونویسی کرده است (در رد آنچه وی درباره دوست ها و شیخ محمد رونویسی کرده رک: بخش های ۱-۳ و ۵ همین کتاب). سید احمد مشهدی نیز همین کار را کرده و او نیز در نوشته هایی که در حال حاضر در کتابخانه استانبول پراکنده است، به ویژه در مرقع گلچین که در سال های ۹۷۲-۹۷۳ ق / ۱۵۶۴-۱۵۶۶ م برای امیر قدرتمندی چون امیر غیب بیگ استاجلو در هرات آماده کرده، از روی آن بدون ذکر مأخذ رونویسی کرده است. در حال حاضر، اغلب بخش های مرقعات این امیر، که حامی ادب و هنر بوده و در زمینه معماری نیز فعالیت می کرده است، در آلبوم اچ. ۲۱۶۱ کتابخانه موزه توپقاپی نگهداری می شود.^۳ فیروز منصوری به حق روی موضوع این رونویسی ها پافشاری می کند؛^۴ ولی او مرقعاتی غیر از آنچه بیانی درباره آن ها نوشته نمی شناسد و بیانی نیز در بازسازی متون سید احمد مشهدی (احمد الحسینی

المشهدی)، به همان صورت، دچار اشتباه شده است.^{۱۵} ام. دابلیو. تاکسون، که بدون تردید زیرک‌تر بوده، در دام نیفتاده، زیرا در پی مسائل تحلیلی نبوده و به‌علاوه فقط به گردآوری ترجمه قسمتی از متون قاضی احمد که بیانی تمام آن را منتشر نکرده اکتفا کرده است.^{۱۶}

در مقاله مربوط به مرقع گلچین بهرام میرزا من از هویت متفاوت دوست‌محمد‌ها دفاع کردم. این نظر در پی اشتباهی پدید آمده بود که در قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی رخ داده بود و تمام کارهایی را که امضای دوست‌محمد داشتند یا منسوب به دوست‌محمد‌ها بودند فقط به یک هنرمند مربوط می‌دانستند. نوشته‌اند این دوست‌محمد‌هاش، خوشنویس، مورخ و منتقد هنر، قطاع، صحاف، تذهیب‌کار و شاعر بوده است.^{۱۷} با دانستن این نکته که در نیمه اول قرن دهم هجری قمری دست‌کم دو دوست‌محمد وجود داشته به این نتیجه رسیدم که یکی از آن‌ها دوست‌محمد بن عبدالله قاطع است که در درجه اول خوشنویس بوده است. این شخص همین دوست‌محمد آخر است که در سال ۱۰۸۱ مع گلچین بهرام میرزا را فراهم آورده و مقدمه بی‌نظیری برای آن نگاشته، که مهم‌ترین منبع برای شناخت خوشنویسی و نقاشی دوره کلاسیک است.^{۱۸} علی‌رغم معتبر بودن این مصداق‌ها^{۱۹} باز هم سعی کردم صحت و سقم نظر اس. کری ولش و ام. بی. دیکسون را، که به نظر اشتباه می‌رسید، بررسی کنم. لازمه این کار پذیرفتن این نکته بود که دوست‌محمد خوش‌نویس علاوه بر خوشنویسی، نقاش نیز بوده است. همین دوست‌محمد بوده که داستان «کرد و کردار»^{۲۰} شاهنامه شاهی^{۲۱} را به انجام رسانده و قبل از بازگشت به ایران نزد شاهزادگان سوار شده و رفته است. دوستم یحیی ذکاء مدتی پیش نسخه تصحیح‌شده و کامل یکی از مقاله‌ها^{۲۲} خود را به من داد که در آن به صراحت بیان کرده بود با این نوع نسخه‌ها موافق نیست. نوشته ایشان در شرایطی منتشر شد که با توجه به آن به هیچ‌وجه تشویق به ذکر آن مقاله نشدم.^{۲۳} در ضمن، کسی نیز به این مقاله ارجاع نداده و ظاهراً هر کسی دلیلی برای نادیده انگاشتن آن داشته است.

دستیابی به متن کامل بوداق و قایع‌نگار و نیز بررسی کامل ترمونی که به آن‌ها مراجعه کردم به همه تردیدها پایان داد. از این مطالب این‌طور استنباط می‌شود که نه تنها ذکاء حق داشته و باید دوست‌محمد خوشنویس را از دوست‌محمد نقاش متمایز کرد، بلکه

کار بوداق نیز مزید بر علت می‌شود که قاضی احمد، این بار نیز مثل همه رونویسی‌های بدون ذکر مأخذش، وقتی به دوست‌ها یا شیخ محمد هنرمند رسیده از آن نیز بدون ذکر مأخذ نسخه‌برداری کرده است. در هر دو حالت، همان‌طور که در بخش‌های ۱، ۳-۱ و ۵ می‌بینیم، متن بوداق امکان تصحیح اشتباهات فاحش یا از قلم افتادگی‌هایی را فراهم می‌کند که مصححان و مترجمان به اشتباه آن‌ها را در متن قاضی احمد وارد کرده‌اند. کار بوداق عجیب نیست. او، خوشنویس باشد یا دست‌کم محرر، منشی شاهزاده بهرام میرزا، حامی علم و هنر، برادر شاه تهماسب بوده و دوست محمد خوشنویس مرقع گلچین بیابان را که قبلاً ذکرش رفت برای وی آماده کرده است. بوداق آذرخش‌های فیروز منصوری را که «نظریه توطئه» اش را بدون هیچ توضیحی متوجه او کرده به سوی خود جذب کرده است. وی به سادگی می‌نویسد: بوداق نیز جزو «تشکیلات ویژه» ای است که «در خارج از ایران» ب «اهداف سیاسی» برای نفوذ در صفوی [لذا ایران] تشکیل شده است.^{۲۲} برعکس، هم بوداق به‌گونه‌ای اثرگذار توجه ابوالعلاء سودآور را جلب کرده است. سودآور با فراهم آوردن کاتوگ نمایشگاه هنر ایرانی، که از اواخر ۱۹۹۲ در موزه لس‌آنجلس برپا شد، به طور محسوس و به همین نتایج رسیده است.^{۲۳} ذکاء نیز تحقیقاتش را ادامه داده و کتابی درباره «غذیری»^{۲۴} نوشته است که در نوع خود اولین کار در این زمینه است. او در همین کتاب به مسئله دست‌محمدها نیز بازمی‌گردد. این قضیه مرا نیز به فکر تحقیقی طولانی باز هم درباره دست‌محمدها انداخت و وادارم کرد که به انتشار آن پردازم.^{۲۵} در آخرین جلسه‌ای که در سال ۱۹۹۲/۱۱/۷ با ذکاء داشتیم به این فکر افتادیم که یک بار دیگر^{۲۶} نیروهای خود را به منظور تهیه «مقالات مشترکی درباره دوست‌محمدها بسیج کنیم. ولی چنین مقاله‌ای نمی‌تواند به سرعت منتشر شود، زیرا همان‌طور که در ادامه خواهیم دید گاهی اوقات مواضع ما متفاوت است. این مواضع شاید وقتی به هم نزدیک خواهند شد که تحلیل مدارکی که در اختیار ایشان است تمام شود.^{۲۷}

در انتظار نگارش احتمالی این تحقیق مشترک آنچه امروز امکان فراهم کردن آن بود در ذیل آورده می‌شود.

نام‌هایی که با دوست ترکیب شده‌اند دست‌کم از قرن پنجم هجری قمری/یازدهم میلادی در شمال شرقی ایران (دیلمان و به‌ویژه خراسان بزرگ) به کار می‌رفته‌اند.^{۲۸} ظاهراً

این نوع نام‌ها بعداً با فتوحات مغول^{۲۹} در ماوراءالنهر و عمدتاً در هند متداول شدند. در سرزمین‌های هندی، هندوایرانی، ایرانی‌تورانی، ترک یا عثمانی نامی که به صورت dust [دوست] نوشته می‌شود، به صورت dost [دُست] تلفظ می‌شود. در منابع تاریخی وجود نوع دیگری از این ترکیب، یعنی به صورت محمددوست، خیلی کم تأیید شده است.^{۳۰} وقتی در این باره با روستاییان شرق خراسان صحبت می‌کردم، می‌گفتند که در محدوده آن‌ها می‌توان چنین نامی را پیدا کرد. نام‌های ترکیبی، ولی نادر، به صورت دوست‌علی، دوست‌حسن و غیره دست‌کم از قرن نهم هجری قمری/شانزدهم میلادی به بعد ظاهر شده‌اند. دوست‌علی و دوست‌محمد، در زمان قاجار، به‌ویژه در خانواده مُعیروالی (مُعیرمالک) متداول بوده است. دوست به‌تنهایی نیز دیده می‌شود، دلیل آن نمونه‌ای است که در اولین پانویس این پاراگراف آمده است. با این‌که همین وضعیت در قرن دهم هجری قمری/شانزدهم میلادی نیز وجود داشته و نمونه‌های ارائه‌شده در این متن نشان‌دهنده آن است. باور بر این است که در اغلب موارد نام دوست به‌تنهایی باید اسم مصغر نام‌هایی باشد که عمدتاً با محمد ترکیب می‌شده‌اند.